

یادداشت



مکانیسم ماشه

سلاح روانی اروپا و بازار ایران

■ سیدمر تفسی آل سیدغفور\*

پس از پایان مذاکرات اخیر میان ایران و سه کشور اروپایی بدون نتیجه مشخص، دوباره بحث فعال سازی «مکانیسم ماشه» به یکی از موضوعات اصلی فضای سیاسی و اقتصادی کشور تبدیل شده است. پنج‌شنبه بود که وزرای خارجه فرانسه، آلمان و بریتانیا با ارسال نامه‌ای به شورای امنیت اعلام کردند، سازو کار بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را فعال می‌کنند. اقدامی که اگر چه از منظر حقوقی و سیاسی اهمیت دارد اما نگاه اصلی جامعه و فعالان اقتصادی بیش از هر چیز معطوف به پیامدهای احتمالی آن بر اقتصاد ایران است. سؤال مهم در این باره این است که مکانیسم ماشه در عمل چه تغییری در وضعیت اقتصادی کشور ایجاد خواهد کرد؟

■ مکانیسم ماشه چیست؟

در برجام سازوکاری تعبیه شد که به طرف‌های مقابل اجازه می‌داد در صورت ادعای نقض تعهدات ازسوی ایران، تحریم‌های تعلیق شده شورای امنیت را دوباره برقرار کنند. به این ترتیب، با فعال شدن این مکانیسم، مجموعه‌ای از قطعنامه‌های پیشین مانند ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ دوباره اجرایی می‌شوند. این قطعنامه‌ها بیشتر شامل محدودیت‌هایی چون مسدود شدن دارایی برخی اشخاص، ممنوعیت فروش تسلیحات به ایران و امکان بازرسی کشتی‌ها و محموله‌های هوایی است.

نکته مهم این است که در میان این قطعنامه‌ها اثری از تحریم نفتی و بانکی دیده نمی‌شود. بنابراین ستون اصلی در ام‌د ارزی ایران - یعنی فروش نفت - و همچنین مسیرهای تجاری اصلی کشور تحت تأثیر مستقیم این تحریم‌ها قرار نمی‌گیرند. فشار واقعی امروز اقتصاد ایران همچنان از سوی تحریم‌های یک‌جانبه امریکا وارد می‌شود، نه شورای امنیت.

■ چرا اثر اقتصادی آن محدود است؟

بازار ایران طی سال‌های اخیر خود را به شرایط تحریم‌های حداکثری امریکا وفق داده است. صادرات نفت به واسطه کانال‌های واسطه‌ای، اسناد کشورهای ثالث و دریافت‌های غیر مستقیم ادامه دارد. بنابراین بازگشت تحریم‌های شورای امنیت باعث تغییر بنیادین در مستقیم این تحریم‌ها قرار نمی‌گیرند. فشار واقعی امروز اقتصاد ایران همچنان از سوی تحریم‌های یک‌جانبه امریکا وارد می‌شود، نه شورای امنیت.

تحلیل‌ها نشان می‌دهد، هدف اصلی اروپا از فعال سازی مکانیسم ماشه نه ضربه مستقیم به اقتصاد ایران، بلکه افزایش فشار سیاسی است. در واقع اقتصاد ایران تحت تحریم‌های گسترده‌تر امریکا قرار دارد و بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت بیشتر کارکرد نمادین دارد. بنابراین این اقدام بیش از آنکه در آمد نفتی یا مبادلات ارزی کشور را تغییر دهد، بر روابط دیپلماتیک ایران با اروپا و مسیر مذاکرات آینده اثر می‌گذارد.

■ صادرات نفت؛ فرصت‌ها و مسیرهای جایگزین

مهم‌ترین پرسش پس از بازگشت تحریم‌ها به آینده صادرات نفت ایران مربوط می‌شود. ساختار فروش نفت در سال‌های اخیر تغییر کرده و مسیرهای جایگزین مانند چین و هند نقش پررنگ‌تری پیدا کرده‌اند.

هند با واردات روزانه ۱/۷ میلیون بشکه نفت از روسیه نشان داده در سیاست انرژی خود استقلال نسبی دارد. سهم ناچیز صادراتش به امریکا (حدود ۲ درصد) دست این کشور را برای همکاری گسترده‌تر باز گذاشته است. این ظرفیت می‌تواند فرصتی طلایی برای ایران باشد تا با ارائه نفت رقابتی جایگاه خود را در بازار انرژی هند تقویت کند.

چین نیز خریدار راهبردی نفت ایران است. نیاز این کشور به نفت سنگین و فوق سنگین با صادرات روسیه - که عمدتاً نفت سبک دارد - کاملاً مطابقت ندارد. پالایشگاه‌های کوچک و متوسط چینی که مجموعاً ۲/۴ میلیون بشکه ظرفیت دارند، معمولاً نفت تحریمی ایران را خریداری می‌کنند. این واحدها به دلیل فعالیت محلی، کمتر تحت فشار سیاست بانکی امریکا یا شورای امنیت هستند. تثبیت جایگاه ایران به عنوان تأمین کننده نفت سنگین در چین می‌تواند، مسیر صادرات را پایدار کند.

■ تهدید اصلی؛ روانی بودن ماجرا

مهم‌ترین تهدید ناشی از مکانیسم ماشه نه در صادرات واقعی نفت، بلکه در سطح روانی بازار داخلی است. انتشار خبر بازگشت تحریم‌ها می‌تواند بازار ارز را ملتهب کند، دلار را بالا ببرد و انتظارات تورمی را تشدید کند. همین نگرانی موجب می‌شود بخشی از سرمایه‌ها از فعالیت‌های مولد خارج و به سمت بازارهای امن‌تری مانند طلا و ارز حرکت کنند.

برای خنثی سازی این اثر روانی، دولت باید هم در سطح خارجی و هم در سطح داخلی فعال باشد. در سطح خارجی، اعلام شفاف مسیرهای همکاری با چین و هند می‌تواند بازار داخلی را آرام کند. در سطح داخلی، ابزارهایی مانند سیاست نرخ بهره بانک مرکزی و تسهیل بازگشت ارز حاصل از صادرات اهمیت ویژه دارند. اگر صادر کنندگان اطمینان یابند، فرآیند بازگشت ارز ساده و سریع است، منابع ارزی کشور تقویت می‌شود و فشار بر ذخایر ارزی کاهش می‌یابد. کنترل جدی بر بازار ارز و طلا در شرایط حساس نیز ضروری است؛ چراکه سودجویان و دلالان معمولاً در چنین فضاهایی التهاب بیشتری ایجاد می‌کنند.

مکانیسم ماشه در سطح اقتصادی، تغییر معناداری در وضعیت فعلی ایران ایجاد نمی‌کند. فشار اصلی همچنان از تحریم‌های یک‌جانبه امریکا ناشی می‌شود. اما در سطح روانی، این مکانیسم می‌تواند بازار ارز و انتظارات تورمی را برای مدتی تحت تأثیر قرار دهد. پاسخ به این چالش نه در سطح شورای امنیت، بلکه در توان سیاست‌گذاران داخلی برای مدیریت بازار و بازگرداندن اعتماد عمومی نهفته است. اگر دولت بتواند با ترکیب دیپلماسی انرژی در خارج و سیاست‌های هوشمندانه ارزی در داخل، پیامدها را مدیریت کند، مکانیسم ماشه از یک تهدید جدی به یک شوک کوتاهمدت تقلیل خواهد یافت.

✽پژوهشگر اقتصادی

با تصمیم اخیر بانک مرکزی، سقف تسهیلات خرد به ۴۰۰ میلیون افزایش یافت که در مقایسه با یکسال گذشته ۳۳ درصد رشد داشته است. با این حال بررسی‌ها نشان می‌دهد، رشد شاخص قیمت مصرف کننده در این مدت بیش از میزان وام بوده که نشان از این دارد که تسهیلات خرد به رغم افزایش همچنان کفاف جبران هزینه‌های خانوارها را نمی‌دهد.

■ ■ ■

سقف پرداخت وام خرد و کارت اعتباری شبکه بانکی ۴۰۰ میلیون تومان، تسهیلات قرض‌الحسنه اشخاص حقیقی در بانک‌های قرض‌الحسنه ۵۰۰ میلیون تومان و تسهیلات قرض‌الحسنه اصناف با اولویت واحدهای تولیدی یک میلیارد تومان تعیین شد. سارا جلالی، معاون اداره عملیات اعتباری بانک مرکزی با اعلام این خبر درباره افزایش سقف تسهیلات بانکی به متقاضیان گفت: با توجه به آنکه بخش قابل توجهی از تسهیلات اعطایی شبکه بانکی در قالب تسهیلات خرد به اشخاص حقیقی و خانوارها پرداخت می‌شود، بانک مرکزی به منظور تقویت قدرت خرید خانوارها، توسعه تقاضای مؤثر این تسهیلات و حفظ اثر بخشی آن، نسبت به بازنگری و افزایش سقف تسهیلات خرد و کارت اعتباری اقدام کرد.

وی گفت: همچنین به منظور تقویت و ترویج فرهنگ سپرده گذاری قرض الحسنه و هم‌راستایی سیاست‌های اعتباری بانک مرکزی و در چارچوب دستورالعمل تأسیس، فعالیت و نحوه نظارت بر بانک‌های قرض‌الحسنه (مصوبه به دادنامه هیئت عالی بانک مرکزی) سقف تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌های قرض‌الحسنه برای اشخاص حقیقی به ۵۰۰ میلیون تومان و برای اشخاص حقوقی به ۱/۵ میلیارد تومان افزایش یافت.

■ سقوط پلکانی تسهیلات خرد با تورم مزمن

بانک مرکزی سال گذشته سقف وام خرد را ۳۰۰ میلیون تومان تعیین کرده بود که با افزایش اخیر شاهد رشد ۳۳ درصدی این وام هستیم. اگر چه هدف سیاستگذار از این افزایش تقویت قدرت خریدی خانوارها عنوان شده اما رشد نرخ تورم به گونه‌ای است

که اثرگذاری وام‌ها را از بین برده است. به عنوان مثال در شرایطی که سال گذشته وجود داشت، می‌شد با وام ۳۰۰ میلیون تومانی یک خودروی اقتصادی تهیه کرد اما هم اکنون قیمت اقتصادی‌ترین عالی بانک مرکزی) سقف تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌های قرض‌الحسنه برای اشخاص حقیقی به ۵۰۰ میلیون تومان و برای اشخاص حقوقی به ۱/۵ میلیارد تومان افزایش یافت.

■ سقوط پلکانی تسهیلات خرد با تورم مزمن

بانک مرکزی سال گذشته سقف وام خرد را ۳۰۰ میلیون تومان تعیین کرده بود که با افزایش اخیر شاهد رشد ۳۳ درصدی این وام هستیم. اگر چه هدف سیاستگذار از این افزایش تقویت قدرت خریدی خانوارها عنوان شده اما رشد نرخ تورم به گونه‌ای است

گزارش ۲  
حسام کمالی

## خورشید خانگی هم پول می آورد و هم برق و گاز تر از

نوید هدایتی‌فر، کارشناس حوزه سیاستگذاری در گفت‌وگو با «جوان» آورده‌های نیروگاه‌های خورشیدی خانگی را تشریح کرد

یکی از اقدامات اساسی در زمینه تحقق رشد تولید برق مبتنی بر الگوی توزیع شده، تنوع بخشیدن به سبب تولید برق و همچنین در آمدزایی برای خانواده‌های ایرانی و تمرکز بر توسعه برق خورشیدی خانگی است و توسعه برق خورشیدی خانگی منجر به کاهش ناترازی و قطعی برق و گاز به صورت هم‌زمان خواهد شد.

■ ■ ■

تولید برق در کشور ما متأسفانه بسیار متکی بر منابع فسیلی، به‌ویژه گاز طبیعی بوده است. بیش از ۸۰ درصد از تولید برق کشور در نیروگاه‌های گازی و سیکل ترکیبی صورت می‌گیرد. این الگو با وجود آنکه در دهه‌های گذشته پاسخگوی نیازهای کشور بوده است، امروز با چالش‌های متعددی مواجه است؛ نخستین چالش، محدودیت منابع گاز طبیعی در فصل زمستان که به دلیل افزایش مصرف خانگی و تجاری، امکان تأمین برق کامل نیروگاه‌ها را سلب می‌کند. دوم، افزایش هزینه‌های تولید و ایستگی به زیرساخت‌های متمرکز که آسیب‌پذیر و هدف‌پذیر هستند. سومین تهدید نیز مسئله ناترازی برق در تابستان و اوج گرمای هوا و قطعی برق در بخش خانگی و صنعتی کشور است. که نارضایتی اجتماعی بزرگی را به همراه دارد. از طرف دیگر مسئله امنیت انرژی نیز مطرح است و جنگ ۱۲ روزه ایران با رژیم صهیونیستی بیانگر نیاز جدی بدافندی در حوزه تنوع بخشیدن به سبب تولید برق کشور است. امنیت انرژی دیگر صرفاً به معنای داشتن ذخایر کافی یا ظرفیت تولید بالا نیست، بلکه به معنای تاب‌آوری شبکه و توان ادامه خدمات‌رسانی در شرایط بحران است. در مدل فعلی، چند نیروگاه بزرگ بخش عمده برق کشور را تولید می‌کنند. اگر این نیروگاه‌ها با خطوط انتقال هدف حملات نظامی یا خرابکاری قرار گیرند، کل منطقه به خاموشی فرو می‌رود اما در مدل غیرمتمرکز، هر خانه با پنل‌های خورشیدی خود یک نیروگاه کوچک محسوب می‌شود. این پراکندگی در تولید برق، عملاً امکان فلج‌سازی شبکه ملی برق را از دشمن سلب می‌کند و بازدارندگی ایجاد می‌نماید. به‌عبارت دیگر، نیروگاه‌های خورشیدی خانگی نه تنها یک راهکار اقتصادی، بلکه یک ابزار امنیت ملی هستند که باید در چارچوب بدافند غیرعامل مورد توجه جدی قرار گیرند.

همچنین مسئله وابستگی بیش از حد تولید برق در کشور به گاز طبیعی نیز موجب مشکلات جدی در زمینه تولید برق و گاز شده است. اگر تنها چند میلیون خانه در ایران به نیروگاه خورشیدی مجهز شوند، در شرایط معادل چندین نیروگاه بزرگ گازی است و می‌تواند به شکل قابل توجهی از مصرف گاز در بخش نیروگاهی بکاهد. این تغییر ساختاری نه تنها به نفع امنیت انرژی کشور است، بلکه امکان صادرات بیشتر گاز را فراهم می‌کند. اما رشد سال گذشته می‌شد با وام ۳۰۰ میلیون تومانی یک خودروی اقتصادی تهیه کرد اما هم اکنون قیمت اقتصادی‌ترین عالی بانک مرکزی) سقف تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌های قرض‌الحسنه برای اشخاص حقیقی به ۵۰۰ میلیون تومان و برای اشخاص حقوقی به ۱/۵ میلیارد تومان افزایش یافت.

کارمندان و کارگران برآورد می‌شود.

این مسئله خانوارها را با چالش بازپرداخت روبرو می‌کند؛ چراکه پرداخت اقساط، به‌ویژه در دوره‌های کوتاه‌تر، فشار مالی شدیدی بر بودجه خانوار وارد می‌کند و عملاً امکان مدیریت سایر هزینه‌های ضروری زندگی را محدود می‌سازد.

البته ناکارآمدی تسهیلات فقط وام‌های خرد را شامل نمی‌شود و تقریباً تمامی تسهیلات بانکی در شرایطی حاضر با تورم و قدرت بازپرداخت اقساط از سوی خانواده‌ها همخوانی ندارد. به عنوان مثال اقساط وام ۲ میلیاردی بانک مسکن در حال حاضر ماهانه ۴۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است.

همچنین کل بازپرداخت این وام ۲ میلیارد و ۴۹۱ میلیون تومان خواهد بود، به عبارت دیگر سود وام



۲ میلیارد تومانی مسکن حدود ۴۹۱ میلیون تومان در ماه شصت بازپرداخت است.

■ سخت‌گیری بانک‌ها، الزام برای

سپرده‌گذاری یا تضامین مشکل

افزایش سقف تسهیلات خرد، گامی در جهت حمایت از معیشت خانوارها تلقی می‌شود. با این حال، حتی در صورت تخصیص این سقف به وسیله بانک‌ها، موانع متعددی سر راه دریافت تسهیلات وجود دارد. که اثر بخشی این سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از الزامات اصلی بر برخی بانک‌ها برای دریافت تسهیلات خرد، وجود سپرده شبکه‌ک برای مدت معین در حساب متقاضی است که خانوارهای کم درآمد را بیشتر روبرو می‌کند. ضامن‌های متعدد نیز مانعی دیگر برای کارآمدی تسهیلات خرد است.

محسن بیگلری، نماینده مردم بانه و سقز، با اشاره به سیاست‌های غلط دولت و بانک مرکزی در مورد پرداخت وام‌های بانکی گفت: این وام‌ها از جمله، وام‌هایی مثل مسکن، ازدواج، فرزندآوری، در راستای تسهیلگری برای رفاه جامعه در نظر گرفته شده است اما متأسفانه با وجود تبلیغات گسترده دولت، کوتاهی جدی در این زمینه صورت گرفته است. بیگلری تأکید دارد، مراحل دریافت وام ازدواج به‌قدری پیچیده است که جوانان برای رسیدن به وام، مجبور به ماه‌ها انتظار و دوندگی بی‌وقفه در شعب مختلف بانکی می‌شوند. متأسفانه بانک‌ها در این امر بهانه‌گیری و کوتاهی می‌کنند که خود این موضوع باعث بحران‌های خانوادگی می‌شود.

محمد قسیم عثمانی، نماینده مردم بوکان نیز معتقد است؛ مشکل فقط در رفتار بانک‌ها نیست، بلکه در ضعف نظارت بانک مرکزی ریشه دارد. وی در گفت‌وگو با خانه ملت افزود: کسانی که متقاضی وام‌های خرد هستند، مردم عادی‌اند؛ آنها هیچ دسترسی خاصی ندارند که بتوانند صدای‌شان را به جایی برسانند. این وظیفه بانک مرکزی است که با ابزارهای قانونی خود از حق این مردم دفاع کند. اگر بانک‌ها به قانون بی‌توجهی می‌کنند، باید اهرم فشار وجود داشته باشد تا ناچار به اجرای قانون شوند.

محمد رشیدی، نماینده کرمانشاه و عضو کمیسیون انرژی مجلس، هم در این باره گفت: بخش عمده‌ای از وقت نمایندگان در حوزه‌ها صرف حل مشکلات مردم برای دریافت وام می‌شود.

وی افزود: قانون، بانک‌ها را مکلف به ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه و حمایتی کرده اما در عمل مردم از نحوه عملکرد بانک‌ها ناراضی‌اند. حتی مصوبات دولت هم بعضاً از سوی بانک‌ها نادیده گرفته می‌شود و هر کدام مسیر خودشان را می‌روند. اگرچه افزایش سقف تسهیلات قرض‌الحسنه و کارهای مثبت که اثر بخشی این سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما شرط مؤثر بودن آن اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر کنترل تورم است. همچنین موانع اجرایی نظیر الزام به سپرده‌گذاری، نیاز به ضامن‌های متعدد و محدودسازی بخشی از وام، دسترسی به این تسهیلات و بهره‌مندی کامل از آنها را دشوار می‌سازد.

به ازای هر کیلووات ساعت، در آمد سالانه خانواده از فروش برق حدود ۱۶ میلیون تومان خواهد بود. اگر صرفه‌جویی در قبض برق را نیز در نظر بگیریم، مجموعاً هر خانواده سالانه ۲۳ تا ۲۵ میلیون تومان منفعت مستقیم خواهد داشت. بازگشت سرمایه در شرایط فعلی حدود هشت تا ۹ سال است، اما اگر دولت وام قرض‌الحسنه یا یارانه تجهیزات پرداخت کند، این دوره به پنج سال کاهش می‌یابد.

این کارشناس حوزه سیاستگذاری با اشاره به لزوم همکاری دولت با بخش‌های تجاری در این زمینه گفت: یک سیاست مهم در زمینه کاهش مصرف انرژی و تأمین افزایش تولید برق، وارد کردن بخش‌های تجاری کشور و به خصوص مشاغل و اصناف به این زمین بازی است. مالیات صفر در برابر بارانه صفر کمک بزرگی به ترغیب بخش‌های تجاری برای حرکت به سمت تأمین برق خود با نیروگاه برق خورشیدی مقفی خواهد کرد. برای تحقق این تحول، سیاست‌های مشخصی لازم است. نخست، اعطای وام‌های قرض‌الحسنه هفت ساله برای بخش‌های تجاری تأمین کند که بخش عمده هزینه اولیه را پوشش می‌دهد. دوم، خرید تضمینی مسازاد برق خانگی با نرخ ثابت و متصفانه به مدت حداقل ۱۰ سال است. سوم، ارائه یارانه ۲۰ درصدی تجهیزات برای دهک‌های پایین درآمدی است. چهارم، حمایت از تولید داخلی پنل و اینورتر با معافیت‌های مالیاتی، و ایجاد شهرک‌های صنعتی تخصصی و شرکت‌های مختلف دانش‌بنیان فعال در این زمینه است.

وی در پایان گفت: توسعه نیروگاه‌های خورشیدی خانگی می‌تواند یک انقلاب انرژی در ایران رقم بزند. دامن فرصت‌های اقتصادی و امنیتی خواهد بود. ایران از یک دهه، از کشوری با مشکلات ناترازی جدی در حال عبور است. به‌ویژه در بخش خانگی و تجاری، و تولید برق خورشیدی و تجدیدپذیر تبدیل شده؛ مشروط به آنکه سیاستگذاری و اجرا با عزم جدی و سرعت لازم انجام گیرد.